

یک روز یاد می‌گیریم کمتر بمیریم

لبخند ز دم‌وبه دخترم گفتم همه چیز بهتر خواهد شد اما دروغ گفتم، هیچ چیز بهتر نخواهد شد؛ این فقط ماییم که بهتر می‌شویم

آدم‌هایی که در شهر می‌بینیم، پر است از مشکلات خرد و کلان. زندگی آشنا ها و غریبه‌ها پر است از دردهای مزمن و گلوهای چرک کرده و چاه‌های گرفته و چک‌های پاس نشده و قسط‌های نداده و اجاره‌های نپرداخته و عزیزان تازه‌مرده و سرهای فرورفته و امتحان‌های قبول نشده و دست‌های رد به سینه خورده و پیام‌های سین نشده و مسافرهای بلیت یک‌طرفه در دست و آرزوهای کمتر برآورده‌شده. لبخند زدم و گفتم: همه چیز بهتر خواهد شد. دروغ گفتم. هیچ چیز بهتر نخواهد شد؛ این فقط ماییم که بهتر می‌شویم. ماییم که یاد می‌گیریم تن شل و ول‌مان را سفت کنیم و محکم روی پاهایمان بایستیم و چشم‌های خیس مان را پاک کنیم و مثل شیر ی پشت میله‌های قفس باغ وحش نعره بکشیم و به جنگ سختی‌های ریز و درشت مان برویم و شب، پیروز یا دریده به خانه برگردیم. این ماییم که با مشکلات مان قد خواهیم کشید و هر روز کمتر از قبل از درون خواهیم لرزید و کمتر از ترس شلوار مان را خیس خواهیم کرد. هیچ چیز آسان‌تر نخواهد شد. این ماییم که بالاخره یاد می‌گیریم یا مشکلات مان را حل کنیم یا استادانه‌پا به فرار بگذاریم و دکمه فراموشی و بی‌خیالی را فشار دهیم و پشت دیواری امن پناه بگیریم. هیچ کس این‌ها را به من نگفت فرزندم. من هم نخواهم گفت. می‌خواهم تا جایی که می‌شود باور کنی به دنیا آمده‌ای که رویا هایت را زندگی کنی؛ بی‌درد، بی‌تب، بدون دغدغه و کلافگی...

برگرفته از کانال تلگرامی نویسنده

خرد در یزهای دهه شصتی

یونس یونسیان | نویسنده



سکه‌های قدیمی و ساچمه‌های تفنگ بادی، گردن آویز دعا و «وان یکاد»، قایق‌های نفتی معروف که با کلی سروصداروی‌وان حمام‌راه می‌افتادند و دود می‌کردند، کارت‌های بازی با عکس فوتبالیست‌ها، مونتور هاو ماشین‌ها، چراغ قوه‌های کوچک، تبله‌های رنگارنگ و هفت‌تیر کشی‌های خشن، تمام خوب‌ها، بد‌ها و زشت‌های جهان در یک سکانس، مرثیه امروز مان برای روزهای رویایی و معصومیت‌های کودکانه‌است که چقدر روح مان جا داشت، گشوده می‌شد و عالمی را در خودش جامی داد. همه‌ما از این خاطرات داریم.

● بایک دست، ۲ عدد دوغ برداشتن

نزد ایرانیان است و بس

حکایت یک دوغ بین المللی؛ دوغ آجلی که تنها یک نوشیدنی نیست، بخشی از نشانگان و هویت غذایی و فرهنگی ایرانیان است. ما جماعت ایرانی همواره یک رابطه ویژه را با غذا حفظ کرده‌ایم، در هر شرایطی، جنگ، قحطی، مریضی و تحریم‌ها، می‌توان یک صیافت دیوانه‌وار باغدار اه انداخت، شیوه‌های غذا بازی و خوراک ایرانیان چیزی منحصر به فرد یگانه در خود دارد. با این حال هنوز نتوانسته‌ایم برای غذا هایمان به سراغ استانداردها و اعتبار های بین المللی برویم. جریان کثیف سرمایه‌داری برای سود بیشتر، این روزها دار دمار از روزگار کیفیت خوراک‌ها و غذاهایمان در می‌آورد. این روزها هیچ غذایی به روال سابقش مزه نمی‌دهد و شاید تنها نوستالژی باشد که یادمان دهد هر خاطره‌ای به مدد انسان‌های دست‌پاک و مهربان قدیمی، ماندگار شده است. به صیافت یک دست و دوغ هایش خوش آمدید.

● نوستالژیک مثل دمپایی پلاستیکی

دمپایی پلاستیکی که محصول کفش ملی است، به خاطره‌ای جمعی برای ایرانیان تبدیل شده است. دمپایی‌های پلاستیکی شاید صمیمی‌ترین و عریان‌ترین نمادهای نوستالژیک برای جامعه‌ای باشند که از مدرنیته ناتمام و عقیم، انقلاب، جنگ و دوران سازندگی و تحریم‌ها عبور کرده‌اند. دمپایی‌ها شاید بی‌پرده‌ترین پوشش مردمان ایرانی باشند، چیزی میان پوشش و برهنگی، میان کفش و پای برهنه، دمپایی یک موجود بینابینی و برزخی است، نه می‌پوشاند و نه برهنه می‌کند. دمپایی‌ها در نهایت مثل عکس‌های کودکی ما هستند، به مرور پاره می‌شوند و از ریخت می‌افتند، ولی همواره گرمای یک حضور کودکانه در اعماق قلب پلاستیکی‌شان باقی می‌ماند، دمپایی‌هایی که شروع سفری کودکانه بودند به سرزمین عجایب، به جهانی که تلاش کردیم تا بخشی از آن باشیم.

عکس هفته

مردم در بلغارستان هر سال برای دفع ارواح شیطانی لباس کوکری (Kukeri) می‌پوشند تا در مراسمی که به همین منظور برگزار می‌شود شرکت کنند. این لباس‌ها از موی بز درست شده‌اند.



ریاست جمهوری ایالات متحده شد و بر صندلی چهل‌وپنجمین

رئیس جمهوری کاخ سفید نشست، کدام روزنامه نوشته بود که بعد از سربرآوردن ترامپ از صندوق‌های رای دیگر تمام نظر سنجی‌ها را باید دفن کرد. او اولین رئیس جمهور میلیاردر آمریکاست که قبل از نامه‌ای تلویزیونی داشته است. گرچه رونالد ریگان هم هنرپیشه بود و سپس رئیس جمهور آمریکا شد اما ترامپ یک «شومن» است. از نوع دست‌دادن تا طرز استفاده از زبان بدن‌اش، همگی من را یاد عکس‌های هیتلر می‌اندازد که از قبل برای سخنانی گرفته شده بود.

با این تفاوت که عکس‌های ترامپ نشان دهنده فردی است که می‌تواند قدرتمند، متکبر و در عین حال ابله به نظر برسد. همان قدر که سیاست‌های داخلی و بین‌المللی‌اش غیر قابل پیش‌بینی به نظر می‌رسند، عکس‌هایش هم همان قدر فکاهه هستند. به عقیده روان‌شناسان هفت صورت را می‌توان در عکس‌های ترامپ مشاهده کرد:

- صورت آلفا
- صورت عصبانی
- چانه جمع‌شده
- لبخند بزرگ
- لبخند زیپ‌دار
- ترکیب صورت‌ها
- اغراق دهان

در نهایت چهره ترامپ سر نخ‌های مهمی درباره نگرش او به مناسبات داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد و با ثبت صورت و رفتارش درون عکس‌ها به ما یادآوری می‌کند او آن قدرها که می‌خواهد سخت و پیچیده به نظر برسد، سخت و پیچیده نیست.

کتاب تربیت دموکراتیک نوجوانان

هم نخواهند فهمید آن‌ها واقعا چه احساسی دارند و هرگز آن‌ها را درک نخواهند کرد. بعد از پنهان‌کاری فرزندان، ارتباطات با مشکل مواجه می‌شود، چون آن‌ها مجبور به دروغ‌گویی و نقش بازی کردن خواهند شد. نوجوانان در می‌یابند اظهارات‌شان به وسیله والدین جدی گرفته نمی‌شود و والدین‌شان آن‌ها را درک نمی‌کنند یا قدر دان‌شان نیستند در نتیجه، به پنهان کردن نظرات خویش، قطع ارتباط موثر، توسل به دروغ، نقش بازی کردن در خانه و خلاصه انواع و اقسام روش‌ها برای جلب نظر مثبت پدر و مادرشان اقدام می‌کنند.

۷ صورت پریزدنت!

محمدرضا شاهرخی نژاد انویسنده



سال‌ها پیش، به گمان یک دهه قبل، کنار میدان ولیعصر ایستاده بودم و می‌خواستم به سید خندان بروم. از آن عصرهای شلوغ بولوار بود و جای سوزن انداختن نبود. در آن ادحام بی‌حداکثران پشت و پشته ویترن کتاب فروشی چشمم افتاد به کتابی با عنوان «چهره‌دیکتاتور». کتاب درباره هیتلر بود، در واقع درباره عکس‌های هیتلر. عکس‌هایی که با نور فلاش در استودیو گرفته شده بود و تمرینی بود برای سخنرانی‌های هیتلر. شکل قرار گرفتن دست‌ها، نوع نگاه، گرفتن کمر بند، مشت بالا آمده و...

همگی نشان می‌داد که ماشین تبلیغاتی هیتلر خوب می‌داند مسافران را از چهره‌ای و به کجا ببرد. هفت دهه از سقوط رایش سوم می‌گذرد و این بار قرار نیست پیاده نظام شوروی یا نیروهای متفقین جایی را اشغال کنند. حاکمان امروز جهان آگاه‌اند که قدرت تصویر از پیاده نظام بیشتر است. راستش یاد نمی‌آید

آن روزها که دونالد ترامپ برنده انتخابات سال‌ها پیش، به گمان یک دهه قبل، کنار میدان ولیعصر ایستاده بودم و می‌خواستم به سید خندان بروم. از آن عصرهای شلوغ بولوار بود و جای سوزن انداختن نبود. در آن ادحام بی‌حداکثران پشت و پشته ویترن کتاب فروشی چشمم افتاد به کتابی با عنوان «چهره‌دیکتاتور». کتاب درباره هیتلر بود، در واقع درباره عکس‌های هیتلر. عکس‌هایی که با نور فلاش در استودیو گرفته شده بود و تمرینی بود برای سخنرانی‌های هیتلر. شکل قرار گرفتن دست‌ها، نوع نگاه، گرفتن کمر بند، مشت بالا آمده و...



بریده کتاب

ریشه بی‌اعتمادی نوجوانان به والدین چیست؟

پزل کاسل، ریموند جی، کورسینی | نویسنده

در صحبت با نوجوانان متوجه شدیم آن‌ها بی‌اعتمادی مرسومی به والدین‌شان دارند که باعث می‌شود والدین را به عنوان دشمن خویش در نظر بگیرند. این مسئله، نتیجه عملکرد خود والدین است که در تمام طول رابطه با فرزندان‌شان خواسته‌اند از طریق سخنرانی، نصیحت، انتقاد، تهدید و تنبیه رفتار آن‌ها را اصلاح کنند.

در نتیجه نوع احساسات فرزندان به والدین پیچیده می‌شود و ترکیبی از عشق، ترس، احتیاط و رقابت در آن‌ها به وجود می‌آید که باعث می‌شود عقاید‌شان را از والدین پنهان کنند و والدین